

## ویژگی‌های شاهنامه‌ی تصحیح دکتر جلال خالقی مطلق

ابوالفضل خطیبی  
فرهنگستان زبان و ادب فارسی

دکتر جلال خالقی مطلق نامی آشنا در عرصه‌ی شاهنامه‌شناسی است. او از حدود چهل سال پیش پژوهش در این اثر جاویدان زبان فارسی و تصحیح متن آن را کار روزان و شبان خویش قرار داده که حاصل آن ده‌ها مقاله و تصحیح انتقادی متن شاهنامه است که به تازگی در هشت دفتر به پایان رسیده است. این دفترها تنها شامل متن و نسخه بدل‌هاست و به سبب کار سنگین تصحیح و حجم گسترده‌ی نسخه بدل‌ها، مصحح بیشتر وعده داده بود که یادداشتهای توضیحی را در دفترهای جداگانه‌ای منتشر می‌کند که با انتشار آخرین بخش از یادداشتهای (بخش چهارم) در زمستان ۱۳۸۷ وعده‌ی خود را عملی ساخت.<sup>۱</sup>

در زیر ویژگیهای متن انتقادی - تحقیقی را که خالقی مطلق فراهم آورده و نیز یادداشتهای او را شرح می‌دهیم:

این تصحیح در هشت دفتر، نخست طی سالهای ۱۳۸۶ - ۱۳۶۶ / ۲۰۰۷ - ۱۹۸۱ در نیویورک (انتشارات بنیاد میراث ایران) منتشر شد و سپس هر هشت دفتر به صورت یکجا در ۱۳۸۶ از سوی انتشارات کانون فردوسی وابسته به مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی (مرکز پژوهشهای ایرانی و اسلامی) انتشار یافت. مصحح تاکنون سی و شش سال از عمر خود را، یعنی بیش از زمانی که شاعر بزرگ ما شاهکار خود را سرود، صرف این کار کرده است. او در میانه‌ی راه از بیم آنکه مبدا شتاب عمر بر پایان کار تصحیح - که آرزوی دیرین او بود - پیشی گیرد، برای تصحیح دفترهای ششم و هفتم از دو مصحح دیگر یاری گرفت: یکی دکتر محمود امید سالار، از دانشگاه ایالتی کالیفرنیا برای دفتر ششم و دیگری نگارنده‌ی این یادداشت برای تصحیح دفتر هفتم. چنانچه سالهایی را که دکتر امید سالار و نگارنده بر سر تصحیح این دو دفتر گذاشته‌ایم (۱۵ سال) به سی و شش سال مذکور بیافزاییم، رقمی بیش از ۵۰ سال به دست می‌آید؛ یعنی تصحیح جدید شاهنامه بیش از نیم قرن زمان برده است.

با نگاهی گذرا به متنهای ویراسته‌ای از شاهنامه که طی حدود ۲۰۰ سال گذشته مصححانی چون رامسدن (۱۸۱۱ م.)، ترنر مکن (۱۸۲۹ م.)، ژول مول (۱۸۷۸ م.)، یوهان فولرس (۱۸۸۴ - ۱۸۷۷ م.)، کتابخانه‌ی بروخیم (۱۳۱۵ - ۱۳۱۳ ش.)، با همکاری مجتبی مینوی و دیگران) و مصححان شوروی (۱۹۷۱ - ۱۹۶۰ م.) فراهم آورده‌اند، پیداست که پیشرفتهایی در دست‌یابی به متنی پیراسته از این اثر حاصل شده است. اما از آنجا که دستنویسی کهن از شاهنامه در دست نیست و کهن‌ترین آنها (فلورانس ۶۱۴ ه.ق) بیش از دو قرن با زمان سرایش شاهنامه فاصله دارد، مصححان پیشین با همه‌ی کوششهای خود نتوانسته‌اند به نتیجه‌ی مطلوب دست یابند. چنین می‌نماید تا زمانی که دستنویسی نزدیک به زمان فردوسی به دست نیاید، هیچ مصححی نمی‌تواند مدعی شود که سرتاسر شاهنامه‌ی ویراسته‌ی او همان است که از خامه‌ی فردوسی تروایده است. اما خالقی مطلق با به کار بستن شیوه‌های نوینی در تصحیح متن شاهنامه، راه رسیدن به سخن اصلی سراینده را برای محققان و پژوهندگان هموار کرده است. مهمترین ویژگیهای متن ویراسته‌ی دکتر خالقی که تصحیحات پیشین فاقد آنهاست، به شرح زیر است:

۱- بررسی و ارزیابی نزدیک ۵۰ دستنویس شاهنامه و انتشار نتایج این بررسیها در مقاله‌های متعدد و سرانجام گزینش ۱۶ دستنویس از کهن‌ترین و معتبرترین آنها برای تصحیح. مهم‌ترین نقص تصحیحات پیشین در این بود که اساس کار تصحیح که همانا بررسی و تحقیق در دستنویسهای شاهنامه و گزینش کهن‌ترین و معتبرترین آنهاست، به درستی پی افکنده نشده بود. برای مثال، مصححان شوروی در آغاز کار از میان حدود هزار دستنویس شاهنامه که در کتابخانه‌های کشورهای مختلف جهان نگهداری می‌شود، تنها چهار دستنویس و از مجلد سوم پنج دستنویس را مبنای تصحیح خود قرار دادند که از آن میان سه دستنویس موجود در لینگراد را ظاهراً بدون سبب که آسان‌تر بدانها دسترسی یافته بودند برگزیده بودند، حال آنکه در همان زمان دستنویسهای کهن‌تر و معتبرتری در کشورهای دیگر از جمله مصر، ترکیه، پاکستان، بریتانیا، آلمان، فرانسه و کشورهای دیگر وجود داشت و دارد. همچنین هشتاد تا نود درصد از شاهنامه‌ی ویراسته‌ی ژول مول فرانسوی تنها مبتنی بر دستنویس مورخ ۸۴۴ هجری قمری است که در کتابخانه‌ی ملی نگهداری می‌شود؛ در حالی که بسیاری از ضبطهای درست شاهنامه در دستنویسهای نسبتاً معتبری است که ژول مول، مصححان شوروی و دیگران از هیچ یک از آنها بهره نبرده‌اند. اما دکتر خالقی با آگاهی از این نقص مهم تصحیحات پیشین، نخست نسخه‌ها یا میکروفیلم‌هایی از همه‌ی دستنویسهای قدیمی که در کتابخانه‌ها و موزه‌های مختلف محفوظ بودند، فراهم کرد و کهن‌ترین و معتبرترین آنها را مبنای تصحیح خود قرار داد (برای مشخصات این دستنویسها ← آغاز دفترهای شاهنامه‌ی تصحیح خالقی).

۲- اساس قرار دادن کهن‌ترین و معتبرترین دستنویس نسبتاً نویافته‌ی شاهنامه، یعنی دستنویس فلورانس، مورخ ۶۱۴ ه. ق برای تصحیح متن. از زمانی که آنجلو پیه مونته (A.M. Piemotese)، ایران شناس ایتالیایی کشف این دستنویس را - که فقط نیمه‌ی نخستین شاهنامه (از آغاز تا پادشاهی کیخسرو) را در بردارد - به جهانیان اعلام کرد (۱۹۷۸ م.)، بحثهای بسیاری بر سر تاریخ کتابت و اعتبار درستی متن آن، در میان شاهنامه شناسان جریان یافت. اما متأسفانه از همان آغاز معرفی و نقد این دستنویس در ایران، ارزیابیهای غیرمنصفانه و بسیار شتابزده از آن با دلایل غیر علمی و شواهد ناکافی، تردیدهای جدی را برانگیخت. نگارنده در جای دیگر<sup>۲</sup> با نقد این ارزیابیهای غیر علمی و عرضه‌ی شواهد متعدّد نشان داده است که این دستنویس، کهن‌ترین و معتبرترین دستنویس شناخته شده‌ی شاهنامه است و در نیمه‌ی نخست شاهنامه، در تصحیح خالقی مطلقاً به درستی اساس تصحیح قرار گرفته است. افزون بر این، این دستنویس راهنمای بسیار خوبی است برای ارزیابی ضبطهای دستنویسهای دیگر، به ویژه اقدم دستنویسهای کامل شاهنامه (لندن ۶۷۵ ه. ق).

برای نشان دادن اهمیت دستنویس فلورانس، در زیر برخی از ضبطهای درست و گاه منحصر به فرد این دستنویس را از داستان رستم و سهراب که برای نخستین بار در متن ویراسته‌ی دکتر خالقی جای گرفته‌اند، می‌آوریم و با ضبطهای چاپ مسکو می‌سنجیم:

الف) هنگامی که هومان سپاه ایران را از دور می‌بیند بیمناک می‌شود، اما سهراب به او می‌گوید:

کنون من به بخت رد افراسیاب کنم دشت را همچو دریای آب

(چ مسکو، ۲۰۷/۲، ب ۲۷۳)

ضبط مصراع دوم مطابق است با ۱۱ دستنویس مبنای تصحیح خالقی که کهن‌ترین دستنویس خطی کامل شاهنامه در رأس آنهاست. اما این مصراع در نسخه‌ی فلورانس چنین ضبط شده است: «کنم دشت پرخون چو دریای آب» (ص ۱۶۰، س ۱۳).

آشنایی اندک با سخن فردوسی و مبالغه‌های شاعرانه‌ی او در وصف نبردها کافی است تا هر خواننده‌ای ضبط معتبر و سخن اصلی فردوسی را تشخیص دهد. ضبط دستنویس فلورانس سخت استوار است و برتری بی‌چون و چرائی بر ضبط‌های همه‌ی دستنویس‌های دیگر دارد و این ضبط یگانه در تصحیح خالقی به درستی در متن جای گرفته است (← ب ۴۳۶). شاید مصححی باریک بین در این ضبط یگانه‌ی نسخه‌ی فلورانس تردید کند، ولی شاهده‌ی وجود دارد که چنین تردیدی را می‌زداید و آن ترجمه‌ی عربی بنداری است: «و لأجعلن بسعادة الملك أفراسياب، صحراء المعركة كالبحر المتلاطم من مائهم» (۱۳۸/۱). ترجمه‌ی عربی بنداری نشان می‌دهد که شاهنامه‌ی اساس کار او ضبط دستنویس فلورانس را داشته است.

(ب) گردآفرید سهراب را تیرباران می‌کند:

نگه کرد سهراب و آمدش ننگ	برآشفتم و تیز اندرآمد به جنگ
سپر بر سر آورد و بنهاد روی	ز پیکار خون اندرآمد به جوی
چو سهراب را دید گردآفرید	که بر سان آتش همی بردمید،
کمان بزه را به بازو فکند	سمندش برآمد به ابر بلند

(چ مسکو، ۱۸۵/۲، ب ۲۱۶ - ۲۱۲)

با نگاهی گذرا به بیت‌های بالا آشکارا پیداست که بیت دوم با بیت‌های بعدی پیوند سستی دارد. گردآفرید سهراب را تیرباران می‌کند و سهراب به جنگ او می‌رود، سپر خود را بر سر می‌گیرد و، از پیکار آن دو، جوی خون روان می‌شود و تازه، پس از آنکه جوی خون روان شد، گردآفرید «کمان بزه» را به بازو می‌افکند و سر نیزه را سوی سهراب برمی‌گرداند! مصراع دوم بیت دوم، هرچند با اختلاف‌هایی اندک در همه‌ی دستنویس‌ها جز دستنویس فلورانس آمده، نادرست است و مسیر منطقی ماجرا را گسسته است، این مصراع در دستنویس فلورانس چنین ضبط شده است و همین درست است: «چو تنگ اندر آمد بدان جنگجوی» (ص ۱۵۴، س ۱۱)، و در تصحیح خالقی مطلق بیت مورد بحث با جابجائی دو مصراع چنین است:

چو تنگ اندر آمد بدان جنگجوی	سپر بر سرآورد و بنهاد روی
-----------------------------	---------------------------

در ترجمه عربی بنداری (۱۳۴/۱) نیز سخنی از روان شدن جوی خون نیست.

(ج) سهراب به هومان درباره‌ی رستم می‌گوید:

برو کتف و یالش همانند من	تو گفستی که داننده برزد رسن
--------------------------	-----------------------------

(چ مسکو، ۲۳۴/۲، ب ۸۱۹)

در مصراع دوم، همه‌ی دستنویس‌ها، جز دو دستنویس ضبط داننده را دارند. اما در دستنویس فلورانس (ص ۱۶۹، س ۴) به جای آن، نگارنده ضبط شده است. در این بیت ضبط یگانه‌ی نگارنده برتری چشمگیری بر دو ضبط دیگر دارد و در تصحیح خالقی (ب ۷۸۲) به درستی در متن جای گرفته است. نگارنده به معنی مصور هستی و کنایه از خداوند در چند جای دیگر شاهنامه نیز آمده است (مثلاً ← چ خالقی، ۳/۱، ب ۴؛ ۴۲۰/۲، ب ۱۱۵).

د) در موارد دیگر، هرچند ضبط دستنویس فلورانس یگانه نیست و برخی از دستنویسهای دیگر آن را همراهی می‌کنند، ضبط دستنویس فلورانس برتری آشکار دارد و گاه ترجمه‌ی عربی بنداری نیز آن را تأیید می‌کند، به نمونه‌های زیر توجه فرمایید:

یکی اسب دیدند در مرغزار      بگشتند گرد لب جویبار  
چو بر دشت مر رخس را یافتند      سوی بند کردنش بشتافتند  
(چ مسکو، ۱۷۱/۲، ب ۲۹ - ۲۸)

در بیت نخستین ضبط یکی مطابق است با دستنویس لندن ۶۷۵ ق. و دو دستنویس دیگر. اما در دستنویس فلورانس (ص ۱۵۰، س ۴) و بقیه دستنویسها به جای آن ضبط پی آمده است (ب ۱۹). در شاهد بالا، ضبط پی برتری آشکاری بر یکی دارد: نخست جای سم اسب را در مرغزار دیدند و سپس رد آن را تا کنار جویبار گرفتند و سرانجام رخس را در دشت یافتند. در حالی که اگر اسب را در همان مرغزار دیده بودند، پس چرا دیگر گرد لب جویبار گشتند و او را در دشت یافتند؟ دستنویس اساس ترجمه‌ی بنداری نیز دقیقاً ضبط دستنویس فلورانس را داشته است: فراوا حوافر الفرس (۱۳۲/۱).

ه) هجیر به سهراب می‌گوید:

هجیر دلیر و سپید منم      سرت را هم اکنون زتن برکنم  
فرستم به نزدیک شاه جهان      تنت را کنم زیر گل در، نهان  
(چ مسکو، ۱۸۳/۲، ب ۱۸۵ - ۱۸۴)

مصراع دوم بیت دوم مطابق است با دستنویس لندن ۶۷۵ ق. و سه دستنویس دیگر، اما ضبط دستنویس فلورانس (ص ۱۵۳، س ۴ از پایین) و بقیه‌ی دستنویسها چنین است: «تنت را کند کرکس اندر نهان» این ضبط آشکارا برتر است و بازگویی رسمی است کهن نزد ایرانیان که جسد را دفن نمی‌کردند، بلکه آن را خوراک کرکسان می‌ساختند (← چ خالقی، ۱۳۱/۲، ب ۱۶۵ - ۱۶۴).

و) نمونه‌ای از یک بیت قیاسی:

«تصحیح قیاسی یکی از توانشهای تصحیح انتقادی است که آن را emendation می‌نامند. صورت لاتینی این واژه emendation است به معنی «اصلاح، تصحیح، درست سازی، بهبودی» و در تصحیح انتقادی یعنی: «هرگاه ضبطی که به گمان مصحح از نظر سبک، دستور، واژگان، موضوع، وزن، قافیه یا خط تباه شده باشد، اصلاح آن براساس دلایل فنی در روش انتقادی نه تنها روا، بلکه وظیفه‌ی مصحح است»<sup>۳</sup>. برای نمونه به بیتهای ۷۱۰ تا ۷۱۲ توجه فرمایید:

برفتند و روی هوا تیره گشت      زسهراب گردون همی خیره گشت  
تو گفتی زجنگش سرشت آسمان      نیاساید از تاختن یک زمان  
وگر باره زیر اندرش زآهنست      شگفتی سرونست و رویین تنست

در مصراع دوم بیت سوم - چنانکه نسخه بدلها نشان می‌دهد - بجز دستنویس فلورانس همه‌ی دستنویسهای دیگر و طبعاً همه‌ی تصحیحات پیشین شگفتی روان ضبط کرده‌اند که همانگونه که خالقی در شرح این بیت گفته‌اند، برای سهراب توصیف جالبی نیست و مفهوم درستی ندارد. ایشان براساس ضبط دستنویس فلورانس (برونست (حرف یکم بی نقطه)) با هوشمندی تصحیح قیاسی سرونست (سرون: کفل

اسب) را پیشنهاد کرده و گفته است که «این مصراع نیز دنباله‌ی مطلب مصراع یکم در توصیف اسب سهراب است.

۳ - به کارگیری اصول علمی تصحیح متن، به ویژه اصل «ضبط دشوارتر برتر است»<sup>۴</sup>. خالقی با بهره‌گیری دقیق و محتاطانه از این اصل، برخلاف برخی مصححان پیشین، از دستنویس اساس کورکورانه پیروی نکرده است. یکی از ضعفهای اساسی شاهنامه‌ی چاپ مسکو این است که مصححان آن، بیش از اندازه به دستنویس اساس (لندن ۶۷۵ ق) اعتماد کرده‌اند؛ تا آنجا که بسیاری از تصحیفات و تحریفات آن در متن ویراسته‌ی آنان جای گرفته است. افزون بر این، در سراسر این تصحیح صدها بیت اصلی که تنها کاتب اقدم دستنویسها آن را انداخته، بی جهت به حاشیه رانده شده و بسیاری از بیتهای الحاقی که تنها در اقدم دستنویسها آمده، در متن اصلی جای گرفته‌اند. همچنین در چاپ ژول مول صدها بیت الحاقی که در دستنویس اساس تصحیح او (پاریس ۸۴۴ ق) آمده است، دیده می‌شود و همین بیتهای الحاقی به چاپهای دیگر شاهنامه مانند مکن، بروخیم، دبیرسیاقی و جز آنها راه یافته است. اما خالقی با اینکه دستنویس فلورانس را اساس تصحیح خود قرار داده، در مواردی که این دستنویس ضبطی است و مغلوپ و مصحف یا بیتی مجعول را داشته، آنها را به کلی رها کرده و ضبط درست دستنویسهای دیگر - ولو متأخرتر - را در متن اصلی گنجانده است.

۴ - استفاده از ترجمه‌ی عربی بنداری از شاهنامه (۶۲۲ - ۶۲۱ ق). از آنجا که دستنویس اساس ترجمه‌ی بنداری به احتمال بسیار به قرن ششم هجری تعلق داشته و از این رو از کهن‌ترین دستنویسهای موجود شاهنامه کهن‌تر بوده، این ترجمه در تصحیح شاهنامه اهمیت بسزایی دارد. از میان مصححان پیشین با اینکه مصححان چاپ مسکو از این ترجمه بهره برده‌اند، ولی در بسیاری موارد، به سبب پیروی کورکورانه از اقدم دستنویسهای کامل شاهنامه ضبطهای درست موجود در این ترجمه را نادیده گرفته‌اند.

۵- اتخاذ روش تحقیقی و استفاده‌ی منطقی از منابع جنبی در تصحیح متن، از آنجا که شاهنامه به سبب محبوبیتش نزد ایرانیان در هزار سال گذشته، مرتباً کتابت شده، تصرفات فراوانی به قلم شاهنامه خوانان و کاتبان در این کتاب ارجمند راه یافته است. بنابراین زمانی که دستنویسی قدیمی از شاهنامه در دست نیست، مصحح، افزون بر استفاده از دستنویسها، شایسته است با تحقیق در متون دیگری که به نوعی با شاهنامه پیوند دارند، ضبطهای اصلی را تشخیص دهد. این منابع عبارت‌اند از:

الف) منابع عربی و فارسی سده‌های نخستین تاریخ اسلامی، این منابع ر بخش مربوط به تاریخ ایران عمدتاً از نگارش‌ها و ترجمه‌های عربی *خدای‌نامه‌ی پهلوی* (تاریخ رسمی دوره‌ی ساسانی) بهره برده‌اند، و از آنجا که سرچشمه‌ی روایات شاهنامه نیز با میانجی، یعنی شاهنامه‌ی *ابومنصوری* (تألیف در ۳۴۶ ق) به نگارش‌هایی از همین *خدای‌نامه* می‌رسد، این منابع مانند تاریخ طبری، اخبار الطوال دینوری، نهاییه‌الارب فی اخبار الفرس و العرب و جز آنها در مواردی گره مشکلات شاهنامه را می‌گشاید.

ب) برخی کتابهای فارسی که بیتها یا قطعه‌هایی از شاهنامه را نقل کرده‌اند. گروهی از این منابع که در سده‌های پنجم و ششم و هفتم هجری تألیف یافته‌اند، یعنی پیش از تاریخ کهن‌ترین دستنویسهای شاهنامه یا مقارن آنها، مانند لغت فرس اسدی طوسی، *راحة‌الصدر* راوندی، *فرائدالسلوک* و *اختیارات شاهنامه*، مصحح را نیک یاری می‌رسانند.

ج) متون پهلوی، گاهی میان گزارشهای موجود در این متون مانند کارنامه‌ی اردشیر بابکان و اندرزنامه‌های پهلوی از یک سو، و روایات شاهنامه از سوی دیگر، همانندیهایی دیده می‌شود که از منشأ مشترک آنها حکایت دارد.

۶ - وجود واژه‌های جدید و ضبطهای متفاوتی از نامهای خاص در متن شاهنامه، استفاده‌ی مصحح از دستنویسهای معتبری که هیچ یک از مصححان دیگر تاکنون از آنها استفاده نکرده‌اند، و نیز استفاده از منابع جنبی و گاه تصحیح قیاسی سبب شده است تا بسیاری از واژه‌های نو و ضبطهای متفاوتی از نامهای خاص در متن ویراسته‌ی او چهره نماید. از آن جمله‌اند: سیاوخش (سیاوخش ۶۸)، فریگیس (سیاوخش ۱۷۴۰)، گیومرت (گیومرت ۲۵)، طهمورپ (طهمورث ۱)، اغریرت (نوذر ۸۹)، زاول (منوچهر ۲۷۰)، کاول (منوچهر ۲۰۲)، سوداوه (سیاوخش ۱۳۳)، گندشاپور (نوشین روان ۷۵۸). به ترتیب به جای سیاوش، فرنگیس، کیومرث، طهمورث، اغریرت، زابل، کابل، سودابه، جندشاپور در تصمیمات پیشین. برخی صورتهای نو در تصحیح خالقی عبارت‌اند از: بد/ بذ (Pad در پهلوی) در جلوی واژه‌هایی که با مصوت آغاز می‌شوند، مانند بدآهن (ضحاک ۴۳۴)، بدآیین (فریدون ۲۳۸) و نمونه‌های فراوان دیگر به جای به آهن و به آیین ...؛ چُن در جلوی واژه‌هایی که با مصوت آغاز می‌شوند، به جای چو در تصحیحات پیشین، مانند چن از (ضحاک ۲۶۷)، چن آمد (گیومرت ۶۷)، چن ایشان (فریدون ۲۱۱) و دگر و دیگر، به جای چو از، چو آمد، چو ایشان ... . پَس (گیومرت ۱۶)، فری (منوچهر ۱۴۳۳)، عو (طهمورث ۳۴)، نهار (به معنی «کاستی»، منوچهر ۱۴۳۲)، سپاسی (به معنی «منت گذار»، فریدون ۱۰۰۴)، یک با دگر (سیاوخش ۱۲۷۷)، اومید (ضحاک ۲۴۳)، دشخوار (منوچهر ۶۶۷)، کُستی (رستم و سهراب ۷۴۶)، دز (فریدون ۹۰۶)، کوز (فریدون ۳۷۱) به ترتیب به جای پور، فربه، غو، بهار، سپاهی، بایکدگر، امید، دشوار، کشتی دژ، کوژ در تصحیحات پیشین. همچنین است واژه‌هایی چون: زلیفن (به جای تهدید، اسکندر ۷۱۰)، ستیخ (= نیزه، رستم و سهراب ۶۲۱)، پی آهو (به معنی «دو تا دو تا حرکت کردن»، رستم سهراب ۶۴۰)، ناروی (به معنی «ناروا و نادرست»، اورمزد شاپور ۶۱، نوشین روان ۲۴۴۱)، غم انجام (به معنی «پایان دهنده‌ی غمها»، هرمزد نوشین روان ۱۵۶۱) و واژه‌های دیگر که برای نخستین بار در تصحیح خالقی مطلق به متن شاهنامه راه یافته‌اند.

۷ - ابداع شیوه‌ای علمی، ساده و کارآمد در ثبت نسخه بدلها. چنانکه خواننده با نگاهی به زیر صفحات به آسانی می‌تواند نه تنها به ناهمخوانی ضبطهای متعدد، که به همخوانی آنها نیز پی ببرد. مصحح ما برخلاف مصححان پیشین در مواردی که حرفی از واژه‌ای نقطه نداشته و احتمال خوانشهای مختلف از آن واژه وجود داشته، بی‌نقطگی آن حرف را عیناً ضبط کرده است. همچنین به تفاوت‌های صورتهای گویشی واژه‌ها مانند ویران/ بیران، توانگر/ تونگر، لاژورد/ لاجورد، زبان/ زوان/ زفان ... و حتی به املاء گوناگون واژه‌ها همچون شست/ شصت، تشت/ طشت ... نیک توجه داشته است. به طور کلی نسخه بدل‌های تصحیح خالقی، مجموعه‌ی ارزشمندی است که راه را برای داوری خواننده و پژوهش‌ها و بررسی‌های متن‌شناسی شاهنامه و نیز راه تحقیق در موضوعات مختلف زبان فارسی را به خوبی هموار کرده است.

۸ - حرکت‌گذاری برخی واژه‌ها که امکان خوانشهای مختلفی از آنها وجود دارد و استفاده از نشانه‌های سجاوندی برای درست خوانی شعر. خالقی مطلق تنها مصححی است که برای نخستین بار خود را در برابر خواننده مسئول دانسته که چگونگی خوانش درست متن را به او گوشزد کند. می‌دانیم بسیاری از بیت‌های شاهنامه را می‌توان به صورتهای مختلفی خواند و معانی گوناگونی نیز از آنها برداشت کرد. مصحح

ما خواننده را در کشاکش خوانشهای مختلف تنها رها نمی‌کند و خوانشی را که خود درمی‌یابد بدو می‌نمایاند. البته خواننده مختار خواهد بود که احیاناً خوانشی جز آنچه در متن آمد است برگزیند.

۹- همراهی یادداشتهای توضیحی با متن انتقادی. دکتر خالقی تنها مصححی است که افزون به تصحیح متن، در سلسله یادداشتهای خود، بیتهای شاهنامه را نیز شرح کرده است. این یادداشتهای مشتمل است بر توضیح واژه‌های هر بیت و ذکر برابره‌های برخی از آنها در پهلوی و دیگر زبانهای باستانی ایران، ذکر صورتهای متفاوت واژه‌ها و گاه تحولات تاریخی آنها، طرز نگارش واژه‌ها، شرح بیتهایی که هرگونه ابهامی، و لو جزئی در آنها باشد، توجیه برتر شمردن صورتی از بیت که در متن قرار گرفته است، نقل شواهد از متون فارسی برای روشن کردن واژه‌ها یا عبارات و یا برای ترجیح صورتی بر صورت دیگر، نقد شاهنامه پژوهان درباره‌ی خوانش و معنی برخی واژه‌ها و جز آنها، و سرانجام بحثهایی گاه مشروح درباره‌ی اساطیر و داستانهای شاهنامه و مقایسه‌ی آنها با روایتهای مشابه در منابع دیگر. به نظر نگارنده ویژگی ممتاز این یادداشتهای و شرح بیتها این است که شارح خود مصحح است و به سبب سالهای متمادی کار با دستنویسهای مختلف شاهنامه به ظرایف و دقائق شعر فردوسی آگاهی یافته است.

۱۰- واژه‌نامه. یکی از ویژگیهای مهم تصحیح خالقی مطلق این است که واژه‌نامه‌هایی مشتمل بر فهرستی از واژه‌ها، ترکیب‌ها و اصطلاحات نسبتاً دشوارتر و کمیاب‌تر در پایان یادداشتهای فراهم آمده که خوانندگان شاهنامه با کمک آن می‌توانند بخش بزرگی از دشواریهای متن شاهنامه را بگشایند. خالقی در این واژه‌نامه‌ها، معانی مختلف برخی واژه‌های پربسامد شاهنامه مانند سَخُن، انجمن، جان، سپاه، لشکر و جز آنها را با تیزی و دقت خاص خودش تفکیک کرده و کاربرد هر یک را نشان داده است.

۱۱- کشف معانی و کاربردهای فراموش شده‌ی برخی واژه‌ها. به درستی گفته‌اند که شاهنامه متنی است دشوار آسان نما، زیرا در موارد فراوان خواننده پس از خواندن بیتی از شاهنامه. با توجه به معانی متداولی از برخی واژه‌ها که در ذهن خود دارد، تصور می‌کند که به معنی درست بیت پی برده است. در حالی که شاعر به معنی‌یی از آن واژه نظر داشته که امروزه به کلی متروک شده است. یکی از ویژگیهای تصحیح خالقی و یادداشتهای او این است که به این معانی کهن و متروک واژه‌ها نیک توجه داشته است. مثال بزینم: خواننده‌ی شاهنامه هنگامی که لفظ ایران را در بیتی می‌بیند، بی‌درنگ کشور ایران یا ایرانیان (مکان به جای متمکن) به ذهن او متبادر می‌شود؛ ولی خالقی نشان داده است که در چندین بیت شاهنامه ایران به دو معنی یاد شده نیست، بلکه جمع واژه‌ی پهلوی ēr است به معنی «آزاده و آزادگان» که به طبقه‌ای از اشراف اطلاق می‌شد.<sup>۵</sup> به بیتهای زیر توجه فرمایید:

هنگامی که سیاوخش از نزد رستم به پیش پدر باز می‌گردد:

بزرگان ایران همه با نثار	برفتند شادان بر شهریار
ز فر سیاوش فرو ماندند	به دادار بر، آفرین خواندند
بفرمود تا پیش ایرانیان	ببستند گردان لشکر میان

(دوم ۱۱۰/۱۱۸-۱۱۶)

در بیت سوم ایرانیان همان بزرگان ایران، در بیت نخستین، یعنی «آزادگان و نژادگان ایرانی» اند. حاصل سخن آنکه تا پیش از انتشار تصحیح خالقی مطلق، محققان در استفاده از متن شاهنامه سر درگم می‌شوند. زیرا در چاپهای مختلف شاهنامه تفاوت‌های نمایانی به چشم می‌خورد. مثلاً بسیاری از

ضبطهای کهن شاهنامه که در دستنویس لندن ۶۷۵ ق حفظ شده و آنها را در چاپ مسکو می‌توان یافت، در چاپ ژول مول نیست، و در برابر، بسیاری از بیتها و ضبطهای اصیلی که در دستنویس لندن ۶۷۵ ق نبوده و در چاپ مسکو به ناحق به حاشیه برده شده، به درستی در متن چاپ ژول مول جای گرفته‌اند، ولی همین چاپ ژول مول بسیاری از ضبطهای مصحف و بیتهای الحاقی مضبوط در دستنویس پاریس ۸۴۴ ق را در خود دارد. از آنجا که غالب محققان غیر متخصص در شاهنامه ارزیابی دقیقی از دستنویسهای شاهنامه و مآلاً چاپهای آن نداشته‌اند، چه بسا با استناد به بیتهای الحاقی، برداشتها و تحلیل‌های نادرستی عرضه کرده‌اند. اما خالقی با اساس قرار دادن دستنویس نویافته فلورانس ۶۱۴ ق دگرگونی شگرفی در تصحیح شاهنامه پدید آورد و خوانندگان این اثر گرانسنگ، به ویژه محققان را از مراجعه به تصحیحات مختلف و احیاناً سردرگمی‌هایی بخشید. از آنجا که او از مهمترین دستنویسهای مبنای تصحیح ژول مول و چاپ مسکو و چاپهای دیگر استفاده کرده است، تصحیح او هم‌اکنون محاسن تصحیحات پیشین به ویژه دو چاپ مذکور را در بردارد و از معایب متعدد آنها عاری است.<sup>۶</sup>

در پایان این جستار نظر مشهورترین شاهنامه‌شناسان داخلی و خارجی، بعضاً از خلال نقدهای ایشان بر تصحیح دکتر خالقی نقل می‌شود.

**استاد ایرج افشار:** یک ایرانی‌کاروان متنی را در اختیار گذارد که برجسته‌ترین است از میان دیگر چاپ‌ها و طبعی است ممتاز و عالی از شاهنامه.<sup>۷</sup>

**دکتر علی اشرف صادقی:** تصحیح دکتر خالقی که با مقابله و سنجش قدیم‌ترین و معتبرترین نسخه‌ها فراهم شده، دقیق‌ترین تصحیح انتقادی شاهنامه است و شایسته است محققان به جای استفاده از چاپ‌های قدیمی ژول مول و مسکو از این تصحیح معتبر استفاده کنند.<sup>۸</sup>

**دکتر سعید حمیدیان:** به این تصحیح و کار بزرگ نظر کاملاً مثبتی دارم و معتبرترین چاپ شاهنامه را چاپ خالقی می‌دانم. بعید می‌دانم کاری روی دست این متن بیاید. با انتشار شاهنامه‌ی خالقی مطلق بنده چاپ خودم را کنار می‌گذارم و این تصحیح را اختیار می‌کنم.<sup>۹</sup>

**دکتر محمدامین ریاحی:** بزرگترین کوشش درباره‌ی شاهنامه و یکی از ارزنده‌ترین کارهای علمی عصر ما تصحیح محققانه‌ی شاهنامه از جلال خالقی مطلق است. هیچ چاپ شاهنامه را با کار شگرف خالقی مطلق نمی‌توان سنجید و با انتشار دوره‌ی کامل آن، مراجعه به چاپ‌های دیگر روا نخواهد بود.<sup>۱۰</sup>

**دکتر محمد دبیرسیاقی:** کار خالقی کار عظیمی است و می‌تواند برای تصحیح عالی شاهنامه به وسیله‌ی یک جمع پایه قرار گیرد.<sup>۱۱</sup>

**دکتر میرجلال‌الدین کزازی:** ویرایش خالقی جایگاه ویژه‌ای در ویرایش‌های شاهنامه دارد. کاری که آقای خالقی مطلق کرده است، شایسته‌ی ستایش است و بی‌گمان یکی از آبخورها خواهد بود در زمینه‌ی پژوهش‌های شاهنامه‌شناختی.<sup>۱۲</sup>

**دکتر جلیل دوستخواه:** تلاش پیگیر و خستگی‌ناپذیر برای بازشناخت سروده و نگاهشده‌ی شاعر در آستانه‌ی هزاره‌ی دوم زندگی فردوسی با چاپخش و ویرایش تحقیقی این متن به کوشش استاد جلال خالقی مطلق به نقطه‌ی



عطفی رسید که نویدبخش دستاورد شایسته‌ی در دانش شاهنامه‌شناسی است و گامی است سزاوار در راه نزدیک‌تر شدن به متن بنیادی شاهنامه‌ی فردوسی.<sup>۱۳</sup>

**دکتر محمدجعفر یاحقی:** به گمان من چاپ خالقی از شاهنامه‌ی فردوسی علاوه بر داشتن شیوه‌ی علمی و تکیه بر نسخه‌های معتبر کهن، عشق و اعتقاد سی و اند ساله‌ی مصحح را هم بر سر دارد. اگر چاپ خالقی یکجا منتشر می‌شد و به آسانی هم در ایران دست‌یاب می‌بود، من تردیدی ندارم که نه امروز بلکه از همان آغاز مطرح‌ترین چاپ شاهنامه می‌بود و قاطبه‌ی شاهنامه‌پژوهان و حتی شاهنامه‌دوستان بر هر چاپی ترجیح می‌دادند.<sup>۱۴</sup>

**دکتر احسان یارشاطر:** چاپ کنونی شاهنامه‌ی فردوسی که نتیجه‌ی همت بلند و پژوهش ممتد دوست دانشمند دکتر جلال خالقی مطلق است، چاپی است علمی و تحقیقی و متنی است استوار و نزدیک‌ترین متن به سخن فردوسی.<sup>۱۵</sup>

**زنده‌یاد دکتر علی‌رضا شاپور شهبازی:** خدمت ذی‌قیمت استاد گرانقدر دکتر جلال خالقی مطلق در تصحیح انتقادی شاهنامه همه‌ی دوستداران فردوسی و فرهنگ ایرانی را تا ابد مدیون او ساخته است و دقت و دانش و پشتکار این مصحح فرزانه باعث شده که متن شاهنامه به صورت پاکیزه و قابل اطمینان انتشار یابد.<sup>۱۶</sup>

**دکتر جلال متینی:** هرگاه به یکی از دفترهای شاهنامه‌ی تصحیح دکتر خالقی مطلق و یا به یکی از بخش‌های یادداشت‌های شاهنامه‌ی تألیف وی مراجعه می‌کنم به دقت دکتر خالقی آفرین‌ها می‌گویم که یک تنه در خارج از ایران برای نخستین بار کار تصحیح انتقادی شاهنامه را با مراجعه به دستنویس‌های متعدد شاهنامه و با وسواس کامل به سامان رسانیده است.<sup>۱۷</sup>

**پروفسور ویلیام ل. هانوی (William L. Hanaway)، استاد دانشگاه پنسیلوانیا:** ما در زمانه‌ی زندگی می‌کنیم که مطالعات شاهنامه‌شناختی نیک شکوفا شده است و برجسته‌ترین نمونه‌ی این شکوفایی متن انتقادی شاهنامه است که به کوشش پروفسور جلال خالقی مطلق انتشار یافته است.<sup>۱۸</sup>

**پروفسور جروم و. کلینتون (Grome W. Clinton):** باید سپاسگزار دکتر خالقی مطلق باشیم که تنها و بدون پشتیبانی هیچ مؤسسه‌ای تصحیح اعجاب‌انگیزی از شاهنامه، آن گونه که از قلم فردوسی تراوش کرده، در اختیار ما قرار داده است.<sup>۱۹</sup>

**پروفسور دیک دیویس (Dick Davis)، استاد دانشگاه اوهایو:** استفاده از نسخه‌ی گرانقدر فلورانس و دقت نظر پروفسور خالقی مطلق در تصحیح متن شاهنامه، همراه با عرضه‌ی اعجاب‌انگیز نسخه بدل‌ها، سبب شده است تا تصحیح او به بهترین تصحیحات موجود شاهنامه بدل شود، و به احتمال قریب به یقین تا سالیان سال نیز همین منزلت عالی را حفظ خواهد کرد.<sup>۲۰</sup>

**پروفسور فرانسوا دوبلوا (Francois de Blois):** پژوهش علمی اساسی درباره‌ی فردوسی هنوز همان‌هاست که نولدکه و تقی‌زاده انجام داده‌اند. طرح جدید نخستین طبع انتقادی شاهنامه به معنی درست به کوشش جلال خالقی مطلق نوید می‌دهد که شاهنامه‌شناسی را بر بنیان کاملاً جدیدی قرار دهد و آنچه تاکنون درباره‌ی شاهنامه نوشته شده است، کهنه کند.<sup>۲۱</sup>

## یادداشتها

- ۱- خالقی مطلق، جلال، *یادداشت‌های شاهنامه*، نیویورک، بنیاد میراث ایران، بخش یکم، شرح دفترهای ۱ و ۲ در دو جلد: ۱۳۸۰ (۲۰۰۱)؛ بخش دوم، شرح دفترهای ۳، ۴ و ۵: ۱۳۸۵ (۲۰۰۶)؛ بخش سوم، شرح دفترهای ۶ و ۷ و بخش چهارم، شرح دفتر ۸: ۱۳۸۷ (۲۰۰۹).
- ۲- خطیبی، ابوالفضل، «اصالت کهن‌ترین نسخه‌ی شاهنامه (فلورانس ۶۱۴ ق)»، نشر دانش، س ۲۱، ش ۱، بهار ۱۳۸۴، ص ۳۸ - ۲۸.
- ۳- خالقی مطلق، جلال، پیشگفتار دفتر یکم شاهنامه، نیویورک ۱۳۶۶ (۱۹۸۱)؛ تهران، ۱۳۶۸، ص بیست و هفت.  
Lectio difficilior praeferenda est - ۴
- ۵- خالقی مطلق، جلال، «معنی دیگری از ایران و ایرانیان در شاهنامه»، *ایران‌شناسی*، ۱۳۸۳، ۱/ ۳۸ - ۲۸.
- ۶- نگارنده در چندین مقاله با عرضه‌ی نمونه‌های فراوان، به نقد و بررسی چاپ‌های مختلف شاهنامه پرداخته و آنها را با متن ویراسته‌ی خالقی مطلق سنجیده است. برای آگاهی بیشتر در این باره، به ویژه بنگرید به: «انتخاب اقدام یا ترجیح اصح: نقدی بر شاهنامه‌ی چاپ مسکو»، «بیت‌های زن ستیزانه در شاهنامه» و «کاتب خوش ذوق و دردسر مصحح: درباره‌ی کهن‌ترین دستنویس کامل شاهنامه (لندن ۶۷۵ ق)» در برگزیده‌ی مقاله‌های نشر دانش (شماره‌ی ۱۱) درباره‌ی شاهنامه، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۶.
- ۷- سخنرانی در جشن رونمایی از شاهنامه به تصحیح دکتر جلال خالقی مطلق و همکاران او در مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی (۱۹ تیرماه ۱۳۸۶).
- ۸- یادداشت دکتر صادقی برای نگارنده.
- ۹- مصاحبه با خبرگزاری فارس در تاریخ ۸۶/۴/۲۵.
- ۱۰- فردوسی (زندگی، اندیشه و شعر او)، طرح نو، تهران، ۱۳۷۸، ص ۳۶۱.
- ۱۱- مصاحبه با خبرگزاری فارس در تاریخ ۸۶/۴/۲۳.
- ۱۲- مصاحبه با خبرگزاری فارس در تاریخ ۸۶/۴/۲۳.
- ۱۳- «به سوی شاهنامه‌ی فردوسی، گام دوم (بررسی و نقد دفتر دوم شاهنامه)»، به کوشش جلال خالقی مطلق، حماسه‌ی ایران یادمانی از فراسوی هزاره‌ها، آگاه، تهران، ۱۳۸۰، ص ۴۰۶.
- ۱۴- یادداشت دکتر یاحقی برای نگارنده.
- ۱۵- «مقدمه بر شاهنامه، به کوشش جلال خالقی مطلق»، دفتر یکم، انتشارات میراث ایران، نیویورک، ۱۹۸۷/۱۳۶۶.
- ۱۶- «ملاحظات درباره‌ی برخی نام‌های یاد شده در شاهنامه»، *ایران‌شناسی*، س ۱۳، ش ۲، تابستان ۱۳۸۰، ص ۳۱۶.
- ۱۷- نقد و بررسی *یادداشت‌های شاهنامه* (بخش دوم) به قلم جلال خالقی مطلق، *ایران‌شناسی*، س ۱۹، ش ۱، بهار ۱۳۸۶، ص ۱۷۰.
- ۱۸- نقد و بررسی کتاب *یادداشت‌های شاهنامه*:  
Iranian studies, Vol. ۳۷, No. ۴, December ۲۰۰۴, P. ۷۰۸-۹.
- ۱۹- نقد و بررسی دفتر یکم شاهنامه، به کوشش جلال خالقی مطلق:  
International Journal of Middle East Studies, Vol. ۲۱, No. ۴, (Nov., ۱۹۸۹), P. ۶۰۰.
- ۲۰- نقد و بررسی دفتر سوم شاهنامه، به کوشش جلال خالقی مطلق:  
International Journal of Middle East Studies, Vol. ۲۷, No. ۳, (Aug., ۱۹۹۵), P. ۳۹۶.
- "Poetry to ca. A.D. ۱۱۰۰", Persian Literature: A Bio - Bibliographical Survey (begun by the late C.A Story), Vol.V, Part I, London, ۱۹۹۲, P. ۱۱۳.

این مقاله در فصلنامه پاژ، سال اوّل، شماره چهارم، زمستان ۱۳۸۷، (جشن‌نامه دکتر خالقی مطلق)، به خواستاری و کوشش: دکتر محمود امیدسالار، ابوالفضل خطیبی، دکتر سجاد آیدنلو به چاپ رسیده است